

The Location of the Commander of the Faithful's House in Baqī' and Its Connection to Early Islamic Events

Ammar Abutalebi¹

(Received on: 2024-10-05; Accepted on: 2025-01-14)

Abstract

The residence of Amīr al-Mu'minīn (the Commander of the Faithful) and Hazrat Šiddīqa Ṭāhira (Lady Fāṭima al-Zahrā') (AS) is commonly referred to as "Bayt Fāṭima (AS)". However, several historical sources mention a place in Baqī' called "Dār 'Alī (AS)" (the House of 'Alī), attributed to Amīr al-Mu'minīn (AS). Although historical sources extensively discuss the conditions of Medina and Baqī', they either make no mention of "Dār 'Alī (AS)" or only pass over it without specifying its exact location. Some researchers, citing the small size and proximity of "Bayt Fāṭima (AS)" to the Prophet's Mosque and the Prophet's residence, have deemed this house unsuitable for hosting certain pivotal events of early Islam, including those following the Prophet's passing. Consequently, they either deny the occurrence of these events or regard them with skepticism. This article is a descriptive-analytical study, with data collected through library research and analyzed using qualitative content analysis based on hadith sources from both Islamic traditions, Islamic history, the history of Medina, biographical works (*tarājim*, *ṭabaqāt*, and *ansāb*), travelogues, and other related sources. The study reconstructs the location and boundaries of "Dār 'Alī (AS)" in Baqī'. The findings indicate that Amir al-Mu'āminin (AS), from the time of his marriage — both before and after residing in "Bayt Fāṭima (AS)" — possessed a spacious house at the edge of what is now Baqī'. This house served as the residence for both him and Šiddīqa Ṭāhira (AS), and many decisive events of early Islam, particularly those following the Prophet's demise, took place there.

Keywords: Dār 'Alī (AS), Dār 'Aqīl, Baqī', Bayt Fāṭima (AS), Bayt al-Aḥzān, Masjīd Fāṭima (AS), Masjīd Ubayy ibn Ka'b

1. Assistant Professor, Department of Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
Email: a.abootalebi@urd.ac.ir

جانمایی خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بقیع و ارتباط آن با وقایع صدر اسلام

عمار ابوطالبی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵]

چکیده

از سکونت گاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت صدیقه طاهره (علیه السلام) غالباً با تعبیر «بیت فاطمه (علیه السلام)» یاد می شود؛ اما در شماری از منابع تاریخی، از مکانی در بقیع با عنوان «دار علی (علیه السلام)» نیز نام برده شده که آن را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت داده اند. با آنکه منابع تاریخی به تفصیل به اوضاع مدینه و بقیع پرداخته اند، یا ذکری از «دار علی (علیه السلام)» در میان نیست، یا تنها بدون تعیین موقعیت دقیق، از کنار آن گذشته اند. شماری از محققان با استناد به مساحت اندک و نیز نزدیکی «بیت فاطمه (علیه السلام)» به مسجد النبی و منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله)، این خانه را برای وقوع برخی رویدادهای مهم صدر اسلام، از جمله حوادث پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نامناسب دانسته اند؛ از این رو یا اصل این وقایع را انکار می کنند یا با دیده تردید بدان می نگرند.

این مقاله، پژوهشی است توصیفی-تحلیلی که داده های آن به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده و باروش تحلیل محتوای کیفی، مبتنی بر منابع حدیثی فریقین، تاریخ اسلام، تاریخ مدینه، آثار شرح حال نگاری (تراجم، طبقات و انساب)، سفرنامه ها، ترسیم نقشه و دیگر منابع مرتبط، به بازسازی موقعیت مکانی و حدود «دار علی (علیه السلام)» در بقیع می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهد امیرالمؤمنین (علیه السلام) از زمان ازدواج، پیش و پس از سکونت در «بیت فاطمه (علیه السلام)»، در ابتدای بقیع امروزی، خانه ای وسیع در اختیار داشته اند که محل سکونت ایشان و حضرت صدیقه طاهره (علیه السلام) بوده و بسیاری از وقایع سرنوشت ساز صدر اسلام، به ویژه رخداد های پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در همان جا رخ داده است.

واژگان کلیدی: دار علی (علیه السلام)، دار عقیل، بقیع، بیت فاطمه (علیه السلام)، بیت الاحزان، مسجد فاطمه (علیه السلام)، مسجد ابی بن کعب

۱. استادیار گروه شیعه شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران a.abootalebi@urd.ac.ir

مقدمه

بقیع، یکی از محله‌های مسکونی مدینه به شمار می‌آمد که از سال دهم هجری، پس از دفن ابراهیم، فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کارکردی دوگانه یافت و به محل دفن اموات و ساخت و ساز مسکونی به صورت هم‌زمان تبدیل شد. در همین دوره، شماری از علویان و چهره‌های برجسته مسلمانان در بقیع ساکن بودند (ابوطالبی، ۱۳۹۹: ص ۸۳-۸۷). محل سکونت قریشیان در این منطقه، به «منازل القریش» شهرت داشت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۸۲). بنابر گزارشی، در اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم هجری، قبیله بنی حرب با کوچ به مدینه، قبایل بنی حارث و بنی مالک را از محل سکونتشان در بقیع بیرون راند و خود در آنجا مستقر شد (ابن حنّاک، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۲۷۱). خانه‌های بقیع عمدتاً در غرب بقیع کنونی و پیرامون بقعه اهل بیت (علیهم السلام) و عمه‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داشتند، و شمار اندکی از منازل نیز در حوالی بقعه ابراهیم، یعنی انتهای بقیع آن روزگار، دیده می‌شدند (کعکی، ۲۰۱۲: ب: ج ۱، ص ۵۴۷).

بر پایه شواهد موجود در منابع تاریخی، پس از هجرت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) به مدینه، شماری از اصحاب، خانه‌های خود را در اطراف مسجدالنبی و در نزدیکی خانه پیامبر بنا کردند. این خانه‌ها عمدتاً اتاق‌هایی کوچک و به هم پیوسته بودند که درهایشان به مسجد گشوده می‌شد و برای سکونت اصحاب مجرد یا خانواده‌های کم جمعیت مناسب بودند. با گذر زمان و تغییر وضعیت زندگی اصحاب، به ویژه پس از ازدواج و افزایش شمار افراد خانواده، این اتاق‌ها دیگر پاسخگوی نیازهای جدید نبود. از این رو، برخی از اصحاب، درحالی که خانه‌های کوچک مجاور مسجد را از سر تبرک حفظ کرده بودند، خانه‌هایی وسیع‌تر در دیگر نواحی مدینه بنا نهادند. به دلیل همین روند، برخی از اصحاب دارای دو یا چند خانه در مدینه بودند. از جمله، سعد بن ابی وقاص چهار خانه در اختیار داشت: دو خانه روبه روی یکدیگر در کوچه‌ای که به مسجدالنبی ختم می‌شد

(ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۵)، خانه‌ای دیگر در غرب همان کوچه و مقابل دار ابراهیم بن هشام مخزومی (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۶)، و چهارمین خانه او در منطقه «مُصَلَّى» قرار داشت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۸). همچنین، خلیفه اول دارای سه خانه بود: یکی در غرب مسجد النبی، دومی که در آن وفات یافت، در ابتدای کوچه بقیع و مقابل خانه کوچک عثمان [دار عثمان الصغری] (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۶۲)، و سومی در منطقه «سُنج» واقع شده بود (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳). عبدالرحمن بن عوف چندین خانه در نزدیکی و اطراف مسجد النبی داشت که با توسعه مسجد در قرون نخست هجری، بخش‌هایی به آن افزوده شد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۴). وی همچنین خانه‌ای در «حُشّ طلحه» داشت که به «الدار الکبری» شهرت یافته بود (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۵). ام‌المؤمنین ام‌سلمه نیز دارای چند خانه در مدینه بود (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۴۵). عثمان بن عفّان دو خانه داشت: خانه کوچک‌تر با عنوان «دار عثمان الصغری» در ابتدای کوچه بقیع، تقریباً مقابل یا موازی باب جبرئیل قرار داشت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۴۲) و خانه بزرگ‌تر او با عنوان «دار عثمان الکبری» در جنوب خانه نخست و متصل به آن بود؛ این خانه روبه‌روی دار ابویوب انصاری و موازی باب بقیع کنونی قرار داشت و در دوره‌ای، شیخ خُدام حرم در آن سکونت داشت (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۱۱، ۶۴). مقداد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۴۰) و عمار یاسر نیز هر یک دو خانه داشتند؛ یکی از خانه‌های عمار بعدها در محدوده مسجد قرار گرفت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶). امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز سه خانه در مدینه داشتند و این مقاله در پی آن است که محل خانه دوم ایشان در بقیع، با عنوان «دار علی (علیه السلام)»، را شناسایی و جانمایی کند.

بیان مسئله

یکی از خانه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در منطقه بنی زریق، در جنوب غربی مدینه قرار داشت که آن حضرت آن را به خاله‌های خود وقف کرده بودند (ابن حیون، بی تا: ج ۲، ص ۳۴۳). در منابع تاریخی از محل سکونت آن حضرت و حضرت صدیقه طاهره (علیهما السلام) با تعبیرهایی چون «بیت فاطمه (علیها السلام)» و «دار علی (علیه السلام)» یاد شده است. «بیت فاطمه» اتاقی در پشت حجره پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده (ابن نجار، ۲۰۰۶: ص ۲۵۳) که ابعاد تقریبی آن ۴×۵ متر گزارش شده است (عبدالغنی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۲۱-۲۲)؛ بنابراین، روشن است که «دار علی (علیه السلام)» مکانی مستقل و جداگانه از آن بوده است. سمهودی به نقل از نسخه‌ای از ابن شبه - که این نسخه امروزه در دست نیست - نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مدینه دو خانه داشته‌اند: یکی «بیت فاطمه» در جوار مسجد النبی و دیگری خانه‌ای در بقیع که به صورت وقفی در اختیار فرزندان ایشان قرار گرفته بود (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۲، ص ۲۱۱). هرچند «بیت فاطمه» در اختیار آن حضرت بوده است، به نظر می‌رسد پس از شهادت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)، محل استقرار اصلی ایشان به «دار علی (علیه السلام)» در بقیع منتقل شده باشد (متقی هندی، ۱۴۰۱: ج ۱۵، ص ۷۵۹).

براساس برخی اقوال، مدفن حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در محدوده مسجد النبی یا در «بیت فاطمه» واقع شده است. با این حال، درخواست آن حضرت برای ساخت تابوت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۰۸) حاکی از آن است که قرار بوده پیکر مطهر ایشان از مسیری عبور داده شود که در معرض دید عموم قرار داشته است؛ زیرا در صورتی که وفات و تجهیز ایشان در اتاقی مجاور مدفن پیامبر (صلی الله علیه و آله) - یعنی «بیت فاطمه» - روی داده باشد، انتقال پیکر تنها از اتاقی به اتاق دیگر صورت می‌گرفت و احتمالاً نیازی به استفاده از تابوت احساس نمی‌شد. از این شواهد و قرائن، و نیز از برخی نقل‌های دیگر، می‌توان چنین

استنباط کرد که حضرت صدیقۀ طاهره علیه السلام بخشی از عمر شریف خود را در خانه‌ای خارج از مسجد، یعنی در «دار علی علیه السلام» سپری کرده‌اند. اگر این فرض صحیح باشد، پرسش بنیادینی در برابر ما قرار می‌گیرد: موقعیت مکانی این خانه در بقیع کجا بوده است؟

از سوی دیگر، ابن شَبَّه گزارش می‌کند که تنها مسجدی در داخل مدینه که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم مکرر در آن نماز گزارده‌اند، مسجد اُبی بن کعب بوده است. آن حضرت درباره این مسجد فرمودند: «اگر از رفت و آمد و اقبال مسلمانان به این مسجد بیم نداشتم، بیشتر در آن نماز می‌گزاردم» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۶۴). این پرسش مطرح است که این مسجد در کجا قرار داشته و چه ویژگی‌هایی داشته که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن رفت و آمد می‌کرده‌اند. همچنین، عبدالله بن عمر که به روایت منابع، در هر مکانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز گزارده‌اند، نماز می‌خوانده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۳۷)، چرا حضورش در این مسجد گزارش نشده است؟ با آنکه مسجد اُبی بن کعب بنایی شناخته شده داشته، مورد توجه مردم بوده و در دوره‌های مختلف بارها بازسازی شده است، چرا در طول تاریخ، همواره با بی توجهی مورخان و جغرافی‌نگاران مدینه مواجه بوده است؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم برخی شب‌ها با حضور در بقیع، بر اهل آن درود می‌فرستادند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۹۰) و برای ایشان طلب مغفرت می‌کردند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۸۶). این پرسش درخور تأمل است که چرا آن حضرت شب‌ها به بقیع می‌رفتند، و چه عاملی موجب شده بود این حضور شبانه، برای عایشه ایجاد حساسیت و نگرانی کند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۷). از سوی دیگر، برخی روایات، محل دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را «گوشۀ خانه عقیل» دانسته‌اند (ابن نجار، ۲۰۰۶: ص ۴۶۵). آیا نمی‌توان احتمال داد که مکان نماز و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بقیع، همان جا بوده و این دو گزارش، به یک موضع واحد اشاره دارند؟

برخی بر این باورند که بیت الأحران (مسجد فاطمه) همان «دار علی (علیه السلام)» است (سامرائی؛ محمد، ۱۹۸۴: ص ۵۲). این پرسش مطرح است که آیا میان این مکان و مسجد اُبی بن کعب و نیز محل دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارتباطی وجود دارد. همچنین این سؤال، پرسیدنی است که میان این اماکن و برخی رخداد‌های مهم صدر اسلام چه پیوندی برقرار بوده است. مقاله حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از شواهد تاریخی موجود در منابع گوناگون، حدود «دار علی (علیه السلام)» در بقیع را شناسایی کرده و به این پرسش‌ها پاسخ دهد. در این راستا، ابتدا شماری از وقایع تاریخی که در «دار علی (علیه السلام)» روی داده‌اند نقل می‌شود؛ سپس با معرفی اماکن مرتبط با این خانه، موقعیت «دار عقیل» - که نقشی اساسی در شناخت «دار علی (علیه السلام)» دارد - جانمایی خواهد شد، و در پایان، پس از تعیین حدود تقریبی «دار علی (علیه السلام)»، مباحث طرح شده جمع‌بندی خواهد شد.

پیشینه

ابن سعد (متوفای ۲۳۰ ق.) نخستین منبعی است که از «دار علی (علیه السلام)» نام برده است؛ نخست، در گزارشی که «دار عقیل» را مجاور «دار علی (علیه السلام)» معرفی می‌کند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۴۰)، و دوم، در ذیل ترجمه عبیدالله بن عدی (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۶). پس از او، ابن شَبَّه (متوفای ۲۶۲ ق.) از این خانه با عنوان دومین خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مدینه یاد کرده است (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۲، ص ۲۱۱). سپس، ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ ق.) به تجمع مخالفان ابوبکر در «دار علی (علیه السلام)» اشاره کرده (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۰) و طبری (متوفای ۳۱۰ ق.) محل دفن نفس زکیه را روبه‌روی کوچه «دار علی (علیه السلام)» دانسته است (طبری، ۱۹۶۷: ج ۷، ص ۶۰۰). پس از آن، سایر منابع نیز به تناسب نقل برخی وقایع تاریخی مرتبط با این خانه، از آن یاد کرده‌اند که در ادامه، در بخش «وقایع تاریخی مرتبط

با دار علی علیه السلام به آنها اشاره خواهد شد. از میان سفرنامه‌ها، تنها ابن مازہ، فقیہ حنفی، در سال ۵۵۲ ق. این خانہ را در بقیع گزارش کرده است (ابن مازہ، ۱۳۹۲: ص ۲۰۸). همچنین، علی بن یوسف حلی (زنده در ۷۰۳ ق.) با این بیان کہ مدفن امام حسن علیه السلام در منزل پدرشان قرار دارد، از این خانہ یاد کرده است (حلی، بی تا: ص ۳۵).

از میان منابع مربوط بہ تاریخ مدینہ تا قرن دہم ہجری، تنها ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ق.) و سمہودی (متوفای ۹۱۱ ق.) از «دار علی علیه السلام» یاد کرده‌اند (ابن نجار، ۲۰۰۶: ص ۳۶۳؛ سمہودی، ۲۰۰۱: ج ۲، ص ۲۱۱). ہر دو معتقدند کہ «دار علی علیه السلام» خانہ دوم امیرالمؤمنین علیه السلام بودہ کہ در بقیع و در جوار «دار عقیل» قرار داشتہ است؛ با این حال، ہیچ یک دربارہ موقعیت دقیق و حدود این خانہ سخنی بہ میان نیاوردہ‌اند. در مقابل، شماری از جغرافی نگاران و مورخان قرون میانی، ازجملہ آفشہری (متوفای ۷۳۹ ق.)، مطری (متوفای ۷۴۱ ق.)، ابن فرحون (متوفای ۷۶۹ ق.)، مرجانی (متوفای ۷۷۰ ق.)، مراغی (متوفای ۸۱۶ ق.) و فیروزآبادی (متوفای ۸۱۷ ق.)، با آنکہ دربارہ بقیع مطالبی نگاشتہ‌اند، ہیچ گونه اشارہ‌ای بہ این خانہ نکرده‌اند.

محمد باقر نجفی (متوفای ۱۳۸۱ ش) در مبحث «بیت الاحزان» تصریح می‌کند کہ صدیقہ طاہرہ علیہا السلام در بقیع خانہ‌ای داشتہ‌اند؛ اما سیر تاریخی و مالکیت آن خانہ برای وی روشن نبودہ است (نجفی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴۴۸-۵۵۲). خلیل سامرائی، «بیت الاحزان» را همان «دار علی علیه السلام» می‌داند (سامرائی؛ محمد، ۱۹۸۴: ص ۵۲). محمد صادق نجمی (متوفای ۱۳۹۰ ش) معتقد است تمامی وقایع مرتبط با صدیقہ طاہرہ علیہا السلام کہ پس از رحلت پیامبر اعظم صلی اللہ علیہ وسلم رخ دادہ، در «دار علی علیه السلام» بہ وقوع پیوستہ است (نجمی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۳-۱۶۶). پس از او، محمد باقر پورامینی بہ مناسبت بحث از «دار عقیل» و محل دفن نفس زکیہ، چہار بار از «دار علی علیه السلام» یاد کردہ؛ اما موقعیت آن را تعیین نکرده است (پورامینی، ۱۴۲۸: ص ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۹۰). احمد خامہ یار نیز با استناد بہ گزارش ابن مازہ، مسجد اُبی بن کعب را زیارتگاہ و همان «دار علی علیه السلام» دانستہ؛ اما اطلاعات بیشتری در این بارہ ارائه نکرده است (خامہ یار، ۱۴۰۱: ص ۷۱).

نوایی، نوری، عسگرپور، جلال معاش، بکری، منصور صالح، و کعکی، از جمله پژوهشگران معاصر هستند که در آثار خود به بررسی ابعاد گوناگون بقیع پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک از آنان اشاره‌ای به «دار علی (علیه السلام)» نکرده‌اند.

۱. وقایع تاریخی مرتبط با «دار علی (علیه السلام)»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از ازدواج با صدیقه طاهره (علیه السلام) در سال دوم هجری (ابن جوزی، ۱۳۷۶: ص ۲۷۵)، به اشاره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) منزلی تهیه کرد و صدیقه طاهره (علیه السلام) را بدان جا برد. از آنجا که خانه‌های مجاور منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) متعلق به حارثه بن نعمان و در اختیار او بود (فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۱۶۱)، خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) با خانه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) اندکی فاصله داشت. مدتی بعد، هنگامی که حارثه از تمایل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سکونت صدیقه طاهره (علیه السلام) در مجاورت خانه ایشان آگاه شد، خانه‌ای (اتاقی) را کنار خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ایشان واگذار کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۱۸).

شام روز ازدواج صدیقه طاهره (علیه السلام)، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) ایشان را بر مرکب خویش سوار کرد (ابن مغازلی، ۱۴۲۴: ص ۲۸۰) و همراه جمعی از بانوان مدینه و همسرانشان، وی را به خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرستاد (قرشی، بی تا: ج ۱، ص ۴۳). براساس گزارش‌های تاریخی، زیرانداز امیرالمؤمنین (علیه السلام) و صدیقه طاهره (علیه السلام) پوست قوچی بوده که شب‌ها بر آن می‌خوابیدند و روزها روی آن به شتر آب‌کششان علوفه می‌دادند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۱۸). بنابراین، خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارای حیاط بوده و با «بیت فاطمه» کنار خانه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) تطابق ندارد.

«دار علی (علیه السلام)» در مجاورت «دار عقیل» قرار داشته است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۴۰) و خانه عبیدالله بن عدی نیز در قرن اول کنار آن بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۶). فرات کوفی (متوفای ۳۰۷ ق) ذیل آیات اول تا چهارم سوره مبارکه نجم، چندین روایت نقل کرده

که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است: «کسی که این ستاره در خانه او فرود آید، همان خلیفه و جانشین من است و آن ستاره در دار علی فرود آمد». پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، جمعی از صحابه با تحصن در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام از بیعت با خلیفه امتناع کردند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۴: ص ۲۳۳، ۳۲۷؛ فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۷۳؛ طبری، ۱۹۶۷: ج ۳، ص ۲۰۲). مدتی بعد، عمر در دومین هجوم به «دار علی علیه السلام» هیزم تولید (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۰) و پس از آتش زدن در و ضرب و جرح صدیقه طاهره علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام را به زور برای بیعت به مسجد برد (مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۶).

گزارش های تاریخی این ایام، مبنی بر عزیمت صدیقه طاهره علیه السلام برای عرض شکایت به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله (عیاشی، بی تا، ج ۲، ص ۶۷) یا حرکت ایشان همراه با جمعی از زنان بنی هاشم به مسجد النبی در جریان غصب فدک (ابن ابی طاهر، بی تا، ص ۲۶) یا نحوه اطلاع دادن شهادت ایشان توسط حسنین علیه السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۷۲)، همگی حکایت از آن دارد که صدیقه طاهره علیه السلام از جایی غیر از بیت فاطمه - که ورودی اختصاصی به مسجد داشته - به مسجد رفته است! در جریان مطالبه فدک، پس از آنکه صدیقه طاهره علیه السلام نوشته ای مبنی بر بازگرداندن فدک از ابوبکر گرفت، در راه بازگشت به منزل با عمر برخورد کرد؛ وی ضمن ضرب و جرح ایشان، نامه خلیفه اول را به زور بازپس گرفت و پاره کرد (مفید، بی تا: ص ۱۸۵). تعبیر «فخر جت والکتاب معها فلقیها عمر» نشان می دهد که ایشان به سمت «بیت فاطمه» نرفته بود.

کمی پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، فردی ادعا کرد که از ایشان طلبکار است. سلمان او را برای وصول طلبش به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام برد (ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۲، ص ۳۳۳). پس از شهادت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «صدیقه طاهره علیه السلام را پس از وفات، از خانه کنار مسجد النبی به خانه دیگر منتقل کردم و در یکی از اتاق های آن، ایشان را غسل

دادیم» (ابوالعباس حسنی، ۱۴۲۳: باب مدفن فاطمه، ص ۲۵۱). در همین خانه نیز نماز برپیکر ایشان اقامه شد (بی نام، ۱۳۹۳ق: ص ۳۵۴). همچنین، زمانی که خلیفه اول و دوم، خالد بن ولید را مأمور ترور امیرالمؤمنین (علیه السلام) کردند، اسماء بنت عمیس خادمه اش را به «دار علی (علیه السلام)» فرستاد و ایشان را از این نقشه مطلع ساخت (احمد بن علی طبرسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۸۹). پس از کشته شدن عثمان در سال ۳۵ هجری قمری، گروهی از مردم و شماری از صحابه به «دار علی (علیه السلام)» آمدند و از ایشان درخواست کردند که خلافت را بپذیرد (طبری، ۱۹۶۷: ج ۴، ص ۴۲۷). بنابر قولی ضعیف، بیعت با آن حضرت نیز در همین خانه انجام شده است (علیمی حنبلی، ۱۴۳۱: ج ۱، ص ۲۶۳).

ابورافع، از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در حدود ۸۵ سالگی، اندکی پیش از آغاز جنگ جمل، خانه و زمین کشاورزی خود را در خیبر فروخت و به یاری امام علی (علیه السلام) شتافت و تا زمان شهادت آن حضرت، در رکاب ایشان بود. وی در سال ۴۰ هجری قمری همراه با امام حسن (علیه السلام) به مدینه بازگشت و آن حضرت، نیمی از «دار علی (علیه السلام)» را به او واگذار کرد (حسکانی، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۵-۶).

پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، سعید بن عاص (والی مدینه)، دار علی (علیه السلام)، دار عقیل و خانه رباب (همسر سیدالشهدا (علیه السلام)) را ویران کرد (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۶۹). اندکی بعد، مختار ثقفی برای بازسازی این خانه‌ها، بیست هزار دینار برای امام سجاد (علیه السلام) فرستاد (کشی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۴۲). در دوره خلافت ولید بن عبدالملک (۹۶-۸۶ق) و با آغاز تخریب خانه‌های همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بیت فاطمه، حسن مثنی (متوفای ۹۷ق) و همسرش، فاطمه بنت الحسین، که در بیت فاطمه سکونت داشتند، به خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بقیع منتقل شدند (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۲، ص ۲۶۳).

در نیمه نخست قرن دوم هجری، طی حفاری‌ای در «دار علی (علیه السلام)»، سنگ قبر ام حبیبه

(متوفای ۴۴ق) کشف شد^۱ (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۸۴۶). مدتی بعد، محمد بن حسن، مشهور به نفس زکیه (متوفای ۱۴۵ق)، روبه روی کوچه ای که کنار «دار علی علیه السلام» قرار داشت، دفن شد (طبری، ۱۹۶۷: ج ۷، ص ۶۰۰). از آنجا که «دار علی علیه السلام» به صورت وقفی در اختیار ذریه امام حسن علیه السلام قرار داشت (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۲، ص ۲۱۱)، یحیی بن عبدالله، از نوادگان آن حضرت، پس از بازگشت از دیلم در سال ۱۶۷ هجری قمری - یعنی نوزده سال پس از شهادت امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ هجری قمری - در این خانه سکونت گزید (طبری، ۱۹۶۷: ج ۸، ص ۲۴۴). از این تاریخ، حدود چهار قرن نامی از این خانه در منابع به میان نیامده است؛ تا آنکه ابن مازه، فقیه حنفی، در سال ۵۵۲ق به عنوان آخرین فرد در تاریخ، مکانی در بقیع را با عنوان «خانه امیرالمؤمنین علیه السلام» گزارش می کند. وی پس از ترغیب به نمازگزاردن در مسجد فاطمه، چنین می نویسد: «[زائر]... باز به خانه امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب رود به بقیع و اندر زاویه آن خانه نماز کند، که مصطفی آنجا بسیار نماز کرده است» (ابن مازه، ۱۳۹۲: ص ۲۰۸).

رضی الدین حلی (زنده در ۷۰۳ق)، فقیه شیعه و برادر علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق)، محل دفن امام حسن علیه السلام را خانه پدر آن حضرت دانسته است (حلی، بی تا: ص ۳۵). فاصله اندک زمانی - حدود یک و نیم قرن - میان گزارش او و روایت ابن مازه، نشان می دهد که رضی الدین در دوره ای می زیسته که هنوز مردم، مکانی در بقیع را با عنوان «خانه امیرالمؤمنین علیه السلام» می شناخته اند.

آنچه گذشت، مجموعه اطلاعاتی است که تاکنون درباره این خانه در منابع تاریخی به دست آمده است.

۲. اماکن مرتبط با «دار علی علیه السلام»

برای فهم و تعیین حدود «دار علی علیه السلام»، باید مجموعه ای از اماکن بقیع را به صورت یک جا و در ارتباط با یکدیگر بررسی کرد؛ زیرا بخشی از اطلاعات مربوط به هر مکان، می تواند

مبنای تشخیص موقعیت خانه‌ای دیگر در این محدوده باشد. بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که دست‌کم نه مکان در بقیع با «دار علی (علیه السلام)» ارتباط داشته‌اند و جانمایی آنها نقش مؤثری در بازسازی حدود این خانه ایفا می‌کند:

۲-۱. مسجد اُبی بن کعب

«مسجد اُبی بن کعب» یا «مسجد البقیع»، یکی از مساجد بقیع است (خیاری، ۱۴۱۹: ص ۲۰۳؛ عباسی، بی‌تا: ص ۱۸۶؛ کتانی حسنی، ۲۰۰۵: ص ۲۲۷)؛ که در محله بنی جدیله قرار داشته است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۶۴).^۲ این مسجد دست‌کم چهار بار بازسازی شده است: در سال ۷۲۰ ق (ایوب صبری پاشا، بی‌تا: ج ۴، ص ۹۵)، در اواخر قرن نهم (سخاوی، ۲۰۰۹: ج ۱، ص ۱۱۷)، در دهه هفتاد قرن سیزدهم (ایوب صبری پاشا، بی‌تا: ج ۴، ص ۹۵۲) و در اوایل قرن چهاردهم هجری (رفعت پاشا، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۲). نخستین بار، سخاوی (متوفای ۹۰۲ ق) محل این مسجد را جانمایی کرده و پس از او، این مکان بارها در گزارش‌های سفرنامه‌نویسان بازتاب یافته است (اولیاء چلبی، ۱۹۹۹: ص ۱۵۰؛ حامدی، ۱۴۳۴: ص ۹۶؛ سمرقندی، ۱۳۹۵: ص ۵۸۸؛ شرقی الفاسی، ۲۰۱۴: ص ۴۸۵؛ فراهانی، ۱۳۸۹: ص ۲۴۱؛ فرشی، ۱۳۹۵: ص ۹۸؛ ولاتی، ۱۹۹۰: ص ۱۹۱). سخاوی موقعیت مسجد اُبی را «ابتدای بقیع، در سمت راست کسی که از مدینه به سوی بقیع می‌رود و در غرب بقعه عقیل و ازواج» دانسته است (سخاوی، ۲۰۰۹: ج ۱، ص ۱۱۷). سمهودی با اشاره به دفن همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کنار کوچه‌ای متصل به خانه نبیه، این گزارش را تأیید کرده و آن را مؤیدی بر قرارگرفتن مسجد در غرب بقعه ازواج دانسته است (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۲۱۱-۲۱۲). فرشی نیز در حدود سال ۱۰۴۰ ق، این مسجد را در سمت راست کسی دانسته که از باب بقیع بیرون می‌آید (فرشی، ۱۳۹۵: ص ۹۸). ابوطیب فاسی در سال ۱۱۳۹ ق آن را مسجدی کوچک توصیف می‌کند که اگر کسی از دروازه بقیع خارج

۱. دروازه شرقی مدینه که روبروی بقیع بوده است.

شود، در امتداد دیوار شهر به سمت راست حرکت کند، آن را خواهد یافت (شرقی الفاسی، ۲۰۱۴: ص ۴۸۵). در سال ۱۳۰۲ق، محمد حسین فراهانی محل مسجد را در غرب بقعه بنات گزارش کرده است (فراهانی، ۱۳۸۹: ص ۲۴۱) و نایب الصدر شیرازی در سال ۱۳۰۵ق، نیز به همراه خیاری (متوفای ۱۳۸۰ق) این مسجد را در سمت راست کسی دانسته اند که وارد بقیع می شود (شیرازی، ۱۳۸۹: ص ۴۷۶؛ خیاری، ۱۴۱۹: ص ۲۰۳).

تطبیق گزارش سفرنامه نویسان با تصاویر قدیمی بقیع نشان می دهد که فضای سنگ چین شده و خالی سمت چپ ورودی کنونی بقیع - که پشت آب سردکن ها قرار دارد - همان موقعیت مسجد اُبی است. این مسجد تا سال ۱۴۰۳ق پابرجا بود و در جریان توسعه های اخیر بقیع تخریب شد.

۲-۲. مسجد رقیه

ابن شُبّه (متوفای ۲۶۲ق) نقل کرده است که امام حسین علیه السلام کنیزی سیاه پوست به نام رقیه را در بقیع گماشته بود تا از قبر مادرش مراقبت کند. پس از او، در محل خیمه این کنیز، مسجدی بنا شد که در شرق آن، بر جنازه کودکان نماز می خواندند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۰۶). طبری (متوفای ۳۱۰ق) نیز محل قبر صدیقه طاهره علیها السلام را «کنار مسجدی که در آن بر جنازه ها نماز می گزارند» دانسته و آن را همان «مسجد رقیه» معرفی کرده است (طبری، بی تا، ص ۹۱). یحیی بن حمزه (متوفای ۷۴۹ق)، فقیه و امام زیدی، براساس برخی اقوال، محل دفن صدیقه طاهره علیها السلام را مسجدی می داند که مردم در آن بر جنازه های خود نماز می خوانند (الامام یحیی بن حمزه، بی تا: ج ۴، ص ۶۹۴). به دلایلی که برای ما روشن نیست، این مسجد به تدریج تخریب شده و از میان رفته است و متأسفانه هیچ گزارشی از محل دقیق آن تا مدت ها ارائه نشده است؛ تا آنکه سمهودی (متوفای ۹۱۱ق)، به عنوان نخستین و آخرین فرد، از بقایای مسجدی ویران در شمال بقعه عقیل یاد می کند. وی می نویسد: «در پایین تپه خاکی ای که در شمال

بقعه عقیل قرار دارد، مسجد کوچکی است که راه آن از میان خاک‌های همان جا می‌گذرد و تنها بخش پایینی محراب آن باقی مانده است» (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۲۱۲).
مسجد رقیه، تنها مسجد بقیع است که مکان آن به طور قطعی مشخص نشده است. از سوی دیگر، سمهودی به مسجدی بی نام در بقیع اشاره کرده که به سبب نزدیکی اش به ورودی بقیع، این احتمال وجود دارد که همان مسجدی باشد که در کنار آن بر جنازه‌ها نماز گزارده می شده است؛ یعنی همان مسجد رقیه.

۳-۲. مدفن صدیقۀ طاهره (علیه السلام)^۳

ابن سُبَّه برای محل دفن صدیقۀ طاهره (علیه السلام) نشانه‌هایی ارائه کرده است؛ از جمله آنکه مزار ایشان را «روبه روی کوچه نُبیه، در بخش جنوبی خانه عقیل و در مجاورت دار نُبیه» دانسته و افزوده است که امام حسن (علیه السلام) مردم را از نزدیک شدن به آنجا برحذر می داشت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۰۵).

۴-۲. دار مغیره بن شعبه

این خانه در انتهای کوچه‌ای قرار داشته که از مسجد النبی به سمت بقیع امتداد می یافت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۶) و صفیه، عمۀ پیامبر، در جوار دیوار این خانه به خاک سپرده شد (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۲۹۲).

۵-۲. خانه ابونُبیّه

این خانه در محل اُطم^۴ بنی جدیله ساخته شده بود و بعدها مسجد اُبی بن کعب نیز در همین مکان بنا شد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۴۷۲). گفته شده است که قبور همسران پیامبر، از این خانه تا کوچه‌ای که به بقال می رفته، پراکنده بوده اند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۴،

ص ۱۶۷). سمهودی نیز خانه ابونبیه را در غرب خانه عقیل دانسته (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۲۹۵) که در غرب مسجد ابی بن کعب و کوچه ابونبیه قرار داشته است.

۲-۶. کوچه ابونبیه

شناخت محدوده این کوچه، به سبب هم‌جواری با خانه عقیل و دار علی علیه السلام، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه جایگاه این خانه‌ها و محل دفن برخی از چهره‌های سرشناس صدر اسلام نسبت به این کوچه توصیف شده‌اند. بر پایه گزارشی از ابن شَبَّه، مدفن صدیقه طاهره علیها السلام در کوچه‌ای قرار داشته که میان خانه ابونبیه و خانه عقیل بوده است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۰۵). موقعیت مزار امام حسن علیه السلام نیز با چهار تعبیر در منابع تاریخی آمده است: ابتدای مقابر بنی هاشم (ضامن بن شذقم، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۴۲)، نزدیک کوچه ابونبیه (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۰۷)، کنار دیوار خانه ابونبیه (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ص ۸۱)، ابتدای کوچه‌ای میان خانه‌های ابونبیه و عقیل (ابن نجار، ۲۰۰۶: ص ۴۵۶).

۲-۷. بقال

کوچه‌ای نزدیک بقیع وجود داشته که به کوچه ابونبیه راه داشته است. سمهودی (متوفای ۹۱۱ق) این کوچه را در محدوده قبر اسماعیل بن جعفر معرفی کرده است (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۲۹۵) و برخی دیگر آن را معبر میان بقیع و حارة الاغوات^۵ دانسته‌اند (کعکی، ۱۴۳۶: ج ۱، ص ۶۰۸).

۲-۸. دار عقیل یا دار الکراخی

خانه وسیع عقیل (متوفای ۵۰ق) (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ص ۲۰۴) در بقیع، در سال ۶۱ق به دستور سعید بن عاص تخریب شد (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۶۹)؛ اما اندکی بعد با پشتیبانی

مالی مختار ثقفی بازسازی گردید (کشی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۴۲). این خانه از اماکن شناخته شده و مهم بقیع به شمار می رفت؛ به گونه ای که در منابع، موقعیت شماری از قبور و اماکن اطراف بقیع با استناد به آن تعیین شده است.

مسلمانان، دار عقیل را به سبب حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از جمله اماکن محل استجابت دعا می دانستند. در منابع تاریخی آمده است که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بارها به بقیع می رفت و برای مدفونان آن دعا و استغفار می کرد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۹۴). ابن شَبَّه (متوفای ۲۶۲ ق) محل دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) را «جایی در ابتدای بقیع» معرفی کرده است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۸۹، ۹۱). ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ق) نیز به نقل از ابن زباله (متوفای ۱۹۹ ق) نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) هنگامی که عوسجه را در حال دعا کنار خانه عقیل دید، به او فرمود: «اینجا محل دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) است» (ابن نجار، ۲۰۰۶: ص ۴۶۵). سمهودی گوشه خانه عقیل را یکی از مکان هایی می داند که دعا در آنجا مستجاب است (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۱، ص ۱۷۳)، و ورثیلانی، فقیه حنفی (متوفای ۱۱۹۳ ق)، همان نقطه را محل استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اهل بقیع معرفی می کند (ورثیلانی، بی تا: ج ۲، ص ۵۳۴).

توجه مسلمانان به جایگاه دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بقیع چنان بوده است که شماری از فقهای اهل سنت، استجابت دعا در گوشه خانه عقیل را «مجبَر» دانسته و بر حضور و دعا در آن مکان توصیه کرده اند (حُصَیْکی، ۱۴۳۲: ص ۱۶۱).

۹-۲. مسجد فاطمه (علیها السلام) (بیت الحزن)

پیش تر در مقاله ای از همین نویسنده آمده است که در قبله مزار امام حسن (علیه السلام)، مسجدی وجود داشته که به «قبر فاطمه» مشهور بوده؛ اما از اواخر قرن ششم هجری، به «بیت الحزن» نامیده شده است. مسجد فاطمه، که محل دفن فاطمه بنت اسد (متوفای ۴ ق) است، بعدها به مسجد خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبدیل شد و محل عبادت و اندوه

صدیقۀ طاهره علیه السلام در مصیبت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و همچنین مدتی بعد محل تجهیز و اقامۀ نماز ایشان گردید. این مسجد در فاصله‌ای حدوداً ۲۰ متری در جنوب شرقی بقعۀ اهل بیت علیهم السلام قرار داشت و ساختمان آن، که با نام «بیت الحزن» شناخته می‌شد، توسط وهابیان تخریب شد (ابوطالبی، ۱۴۰۲: ص ۹۵).

۳. تعیین حدود دار عقیل

تعیین حدود «دار عقیل» در جانمایی «دار علی علیه السلام» اهمیت فراوان دارد. شماری از گزارش‌های تاریخی که می‌توان از آنها برای تعیین حدود دار عقیل بهره گرفت، عبارت‌اند از: ۱. مدفن صفیه در انتهای کوچه بقیع کنار ورودی خانۀ مغیره بن شعبه قرار داشته است (ابن شبۀ نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۲۶) و خانه زید بن ثابت نیز در جوار آن بنا شده بود (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۶۹). هر دو این خانه‌ها در مجاورت دار عقیل بوده‌اند (سامرائی؛ محمد، ۱۹۸۴: ص ۵۲). به عبارت دیگر، مزار صفیه در شمال غرب بقعۀ عقیل واقع بوده و کوچه‌ای که از غرب به شرق تا انتهای بقیع امتداد داشته، آنها را از یکدیگر جدا می‌کرده است.

۲. مسجد اُبی بن کعب، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها در آن نماز گزارد، در غرب دار عقیل قرار داشت. گوشه‌ای از این خانه نیز محل دعای پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. ابوالطیب فاسی، مفتی حرمین شریفین در سال ۱۱۳۹ق، محل نماز و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله را یکی دانسته است (شرقی فاسی، ۲۰۱۴: ص ۴۸۵). بنابراین، محل دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در گوشه غربی دار عقیل قرار داشته است.

۳. دار ابونُبیّه در غرب دار عقیل قرار داشت و کوچه ابونُبیّه میان آن دو واقع بود. بنابر برخی گزارش‌ها، مزار امام حسن علیه السلام نیز در جوار این کوچه قرار داشته است؛ بنابراین، شمال این کوچه شمالی-جنوبی، دار عقیل، و جنوب آن، محل مزار امام حسن علیه السلام بوده است.

همچنین، بقال - که از کوچه‌های غرب بقیع به شمار می‌رود - از شمال به مسجد اُبی بن کعب می‌رسیده، شرق آن به بقیع متصل بوده، و جنوب شرقی آن به انتهای کوچه ابونُبیه، یعنی محل مزار امام حسن (علیه السلام)، منتهی می‌شده است.

۴. برخی منابع، مزار صدیقه طاهره (علیه السلام) را حد جنوبی دار عقیل دانسته‌اند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۰۵). با این حال، از آنجا که قبر موجود در قبله مزار امام حسن (علیه السلام) - که اهل سنت آن را متعلق به صدیقه طاهره (علیه السلام) و شیعیان متعلق به فاطمه بنت اسد می‌دانند - فاقد اصالت و عاری از صحت تاریخی است (ابوطالبی، ۱۴۰۲: ص ۹۵-۹۷)، نمی‌توان آن را به عنوان حد جنوبی دار عقیل تلقی کرد. مسجد رقیه، که در نزدیکی مزار منسوب به صدیقه طاهره (علیه السلام) قرار داشته، در منابع به عنوان بنایی در شمال بقعه عقیل گزارش شده است. کاتب واقدی (متوفای ۲۳۰ ق) خانه عقیل را متصل به «دار علی (علیه السلام)» معرفی کرده و قبر ابوسفیان بن حارث (متوفای ۲۰ ق) را در گوشه خانه عقیل دانسته است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۴۰). کمی پس از او، ابن شبه (متوفای ۲۶۲ ق) این قبر را در حیاط خانه عقیل گزارش کرده است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۲۷) و سمهودی (متوفای ۹۱۱ ق) نیز آن را در بقعه کنونی عقیل می‌داند (سمهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۲۹۴، ۳۰۲).

بر پایه گزارش‌های یادشده و ترسیم آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بقعه عقیل در محل حیاط خانه او قرار داشته و حد جنوبی آن را تشکیل می‌داده است. مزار صدیقه طاهره (علیه السلام) نیز - در صورت صحت انتساب مکانی - در همین محدوده واقع بوده و مسجد رقیه با فاصله‌ای اندک در شمال آن قرار داشته است.

۵. ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ق) قبر ابراهیم را در کنار خانه عقیل دانسته است (ابن نجار، ۲۰۰۶: ص ۴۶۰) و ابن عساکر آن را در گوشه شرقی خانه عقیل معرفی کرده است (ابن عساکر، بی‌تا: ص ۸۷).

ترسیم گزارش های پیش گفته، حدود چهارگانه دار عقیل را مشخص می سازد: از شرق به مزار ابراهیم، از شمال به مزار صفیه، از غرب به مسجد اُبی بن کعب، و از جنوب به بقعه عقیل.

۴. جمع بندی و تعیین حدود «دار علی علیه السلام»

پیش تر گفته شد که مسجد فاطمه علیها السلام (بیت الحزن) بخشی از «دار علی علیه السلام» بوده و نیز امام حسن علیه السلام در خانه پدرشان به خاک سپرده شده اند. ابن مازه نیز محل نماز پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع (مسجد اُبی بن کعب) را جزئی از خانه امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته است. نوع گزارش اولیاء چلبی در سال ۱۰۹۵ هجری قمری درباره مسجد اُبی بن کعب نیز نشان می دهد که وی آنجا را بخشی از «دار علی علیه السلام» می دانسته است (اولیاء چلبی، ۱۹۹۹: ص ۱۵۰). بر این اساس، به نظر می رسد هر دو مسجد یادشده، در محدوده «دار علی علیه السلام» قرار داشته اند. با توجه به مجموعه گزارش های پیش گفته و ترسیم محل آنها، می توان حدود چهارگانه «دار علی علیه السلام» را چنین بازسازی کرد: حد جنوبی آن، مسجد فاطمه علیها السلام (بیت الحزن)؛ حد شمالی، خانه عقیل، که در این صورت، محدوده منسوب به مدفن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز درون این خانه قرار می گیرد؛ حد شرقی، به احتمال زیاد، دار عبیدالله بن عدی؛ و حد غربی، کوچه ابونبیه و مسجد اُبی بن کعب.

بر این اساس، و با توجه به مبلغ سنگینی که مختار ثقفی پس از واقعه عاشورا برای بازسازی این خانه فرستاد، روشن می شود که «دار علی علیه السلام» خانه ای بزرگ و وسیع بوده است. همچنین ترسیم موقعیت دار عقیل، دار علی علیه السلام و مسجد اُبی بن کعب نشان می دهد که محل نماز و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی بوده و در شمال غرب «دار علی علیه السلام» قرار داشته است. در سال چهارم هجری، بخش جنوبی این خانه به مدفن فاطمه بنت اسد تبدیل شد. با این

حال، تقدم یا تاخر زمانی مسجد بودن این محل نسبت به دفن فاطمه بنت اسد، به روشنی از منابع به دست نیامده است. گزارش های زیارت مزار امام حسن (علیه السلام) توسط امام حسین (علیه السلام) (حر عاملی، بی تا: ج ۱۴، ص ۴۰۸) و محمد بن حنفیه (مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۸۱) نشان می دهد که پس از دفن امام حسن (علیه السلام)، بخش جنوبی دار علی (علیه السلام) به تدریج به مقبره ای برای بنی هاشم تبدیل شد و از پیکره اصلی خانه جدا گردید؛ چنان که گوشه شمال غربی این خانه، که محل نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، نیز بعدها به عنوان مسجد اُبی بن کعب از «دار علی (علیه السلام)» تفکیک شد؛ هرچند زمان دقیق این جداسازی در منابع گزارش نشده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از ازدواج، صدیقه طاهره (علیها السلام) را به این خانه آورد. مدتی بعد، به خواست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، ایشان به بیت فاطمه منتقل شدند؛ با این حال، خانه نخست همچنان در اختیار امیرالمؤمنین (علیه السلام) باقی ماند. به نظر می رسد پس از تولد فرزندانشان، آن حضرت در کنار حفظ بیت فاطمه، بار دیگر به «دار علی (علیه السلام)» بازگشته باشد. با وفات فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، وی را در گوشه جنوبی همین خانه به خاک سپردند. پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تمام وقایعی که در نهایت به شهادت صدیقه طاهره (علیها السلام) انجامید - چنان که در بخش «وقایع مرتبط با دار علی (علیه السلام)» اشاره شد - در همین خانه رخ داد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بارها به این خانه وارد شده، در کنج آن برای اهل بقیع دعا و استغفار کرده و در همان جا به نماز شب ایستاده است. از این رو، به نظر می رسد خانه ای که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) شش ماه هر بامداد کنار آن می ایستاد و آیه تطهیر را تلاوت می فرمود، همین «دار علی (علیه السلام)» بوده است. همین رفت و آمدهای شبانگاهی مکرر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به این خانه، سبب حساسیت و اعتراض عایشه نسبت به حضور ایشان در بقیع شده بود. حضور پیوسته پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پشت «دار علی (علیه السلام)»، و اقامه نماز و دعا در آن محل، سبب شد مسلمانان این نقطه را محل استجابت دعا دانسته و برای آن حرمت و منزلتی خاص قائل شوند.

به مرور زمان، اصل ماجرا و اینکه آن مکان به چه کسی تعلق داشته را از خاطر مسلمانان زدودند؛ اما باور به اجابت دعا در آن را باقی گذاردند و از آنجا که این خانه در مجاورت دار عقیل قرار داشت، محل دعای پیامبر ﷺ به عقیل نسبت دادند؛ در حالی که در واقع، متعلق به امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است، والله العالم.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته سیهودی معتقد است این قبر در دار عقیل بوده و عقیل به علی تصحیف شده است (سیهودی، ۲۰۰۱: ج ۳، ص ۲۹۵).
۲. این محله در مجاورت بقیع و زمانی نیز جزء آن بوده است.
۳. براساس روایاتی که آن را در بقیع می‌داند.
۴. قلعه‌هایی مربع شکل در مدینه که آنها را از سنگ بنا می‌کردند.
۵. بخشی از غرب بقیع که بعدها محل سکونت خواجگان مسجدالنبی شد و به آنان «اغوات» گفته می‌شد، به «حارة الاغوات» مشهور گردید.
۶. کوچه‌ای که از باب جبرئیل مسجدالنبی تا بقیع امتداد داشته است.

منابع

- ابن ابی طاهر، احمد بن ابی طاهر (بی‌تا)، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۹)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر.
- ابن حائک، حسن بن احمد (۱۴۲۵)، الإکلیل من أخبار الیمن و أنساب حمیر، صنعاء: وزارة الثقافة والسیاحة.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار (ع)، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم.

ابن حیون، نعمان بن محمد (بی تا)، دعائم الإسلام و ذکر الحلال والحرام والقضايا والأحكام عن اهل بیت رسول الله علیه وعلیهما فضل السلام، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن شبّه نمیری، عمر بن شبّه (۱۴۱۰)، تاریخ المدینة المنورة، بیروت: دار الفکر.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، المناقب، تصحیح: رسولی محلاتی، بی جا: علامه.

ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دار الجیل.

ابن عساکر الدمشقی، عبد الصمد بن عبد الوهاب (بی تا)، إتحاف الزائر وإطراف المقيم للسائر فی زیارة النبی (ص)، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.

ابن فرحون، عبدالله بن محمد (۱۴۲۷)، تاریخ المدینة المنورة المسمى نصیحة المشاور وتغذية المجاور، بیروت: مكتبة الثقافة الدينية.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰)، الإمامة والسیاسة، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲)، المعارف، مصحح: ثروت عكاشة، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ابن مازہ، محمد بن عمر (۱۳۹۲)، لطائف الاذکار، مصحح: رسول جعفریان، تهران: نشر علم.

ابن مغازلی، علی بن محمد (۱۴۲۴)، مناقب الإمام علي بن ابی طالب (ع)، محقق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دار الأضواء.

ابن نجار، محمد بن محمود بن الحسن (۲۰۰۶)، الدرّة الثمينة فی أخبار المدینة، مصحح: صلاح الدین بن عباس شکر، مدینة منوره: مرکز بحوث ودراسات المدینة المنورة.

ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۷۶)، تذکرة الخواص من الأمة فی ذکر خصائص الأئمة، قم: الشریف الرضی.

ابو الصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۴)، تقریب المعارف، بیروت: الهادی.

ابو العباس الحسنی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۳)، المصابیح فی سیرة الرسول وآل البيت، محقق: عبدالله بن عبدالله الحوثی، صنعاء: مكتبة الامام زيد بن علی.

ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۹)، مقاتل الطالبیین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

ابوطالبی، عمار (۱۳۹۹)، «توسعه و تحول ساخت و ساز در بقیع براساس گزارش های تاریخی»، میقات حج، شماره ۱۱۱، ص ۸۱-۱۱۵.

- ابوطالبی، عمار (١٤٠٢)، «مسجد فاطمه یا بیت الاحزان و واکاوی ماهیت تاریخی آن». پژوهشنامه حج و زیارت، شماره ٢٠، ص ٧٩-١٠٦.
- اربلی، علی بن عیسی (١٤٢١)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم: الشریف الرضی.
- آقشهري، محمد بن احمد بن امین (٢٠١٠)، الروضة الفردوسية والحضرة القدسية، بیروت: مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي.
- الامام یحیی بن حمزة (بی تا)، الانتصار علی علماء الأمصار، محقق: عبد الوهاب بن علی المؤید، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية.
- اولیاء چلبی (١٩٩٩)، الرحلة الحجازية، مترجم: احمد مرسى صفصافی، بیروت: دارالآفاق العربية.
- سامرائی، خلیل ابراهیم؛ حامد محمد، تأثر (١٩٨٤)، المظاهر الحضریة للمدينة المنورة فی عصر النبوة، بیروت: مكتبة بسام.
- صبری پاشا، ایوب (بی تا)، مرآت الحرمين، قاهره: بحریة.
- بکری، محمد انور؛ طه، حاتم عمر (٢٠٠٤)، بقیع الغرقد، بیروت: مكتبة الحلبي.
- بی نام، وصف مكة و وصف المدينة الطيبة و وصف بیت المقدس. (١٣٩٣). العرب، ٨ (٥ و ٦)
- پورامینی، محمدامین (١٤٢٨)، بقیع الغرقد فی دراسة شاملة، قم: مشعر.
- حامدی، اسماعیل بن موسی (١٤٣٤)، الرحلة الحامدية إلى الديار الحجازية، مصحح: سعید اورزوق، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (بی تا)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، صنعاء: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر.
- حضیکي، احمد بن محمد (١٤٣٢)، الرحلة الحجازية، محقق: عبدالعالی المدبر، بیروت: مرکز الدراسات والابحاث و إحياء التراث الرباطه المحمديه للعلماء.
- حلی، رضی الدین علی بن یوسف (بی تا)، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- خامه یار، احمد (١٤٠١)، بهشت بقیع، تهران: اندیشه میراث.

خیاری، احمد یاسین (۱۴۱۹)، تاریخ معالم المدينة المنورة قديما وحديثا، رياض: دار الملك عبدالعزيز.

رفعت پاشا، ابراهيم (بى تا)، مرآة الحرمين، أو الرحلات الحجازية والحج و مشاعره الدينية محلاة بمئات الصور الشمسية، بيروت: بى نا.

سخاوى، شمس الدين محمد بن عبدالرحمن (۲۰۰۹)، التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة، مدينه منوره: مركز بحوث ودراسات المدينة المنورة.

سلامه تميمى، منصور بن صالح (۱۴۳۸)، الإصابة فيمن دفن في البقيع من الصحابي رضى الله عنه، قم: دار الامام مسلم للنشر والتوزيع.

سمرقندى، عبدالرحمن (۱۳۹۵)، أركان الحج ومسافة الطريق، تهران: نشر مورخ.

سمهودى، نورالدين على بن عبدالله (۲۰۰۱)، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، محقق: قاسم السامرائى، بيروت: مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى.

شرقى الفاسى، ابى عبدالله محمد بن الطيب (۲۰۱۴)، الرحلة الحجازية، محقق: نورالدين شوبد، بيروت: دار السويدى للنشر والتوزيع.

شيرازى، نايب الصدر (۱۳۸۹)، سفرنامه مكه، تهران: نشر علم.

ضامن بن شذقم (۱۳۷۸)، تحفة الأزهار وزلال الأنهار في نسب أبناء الأئمة الأطهار عليهم صلوات الملك الغفار، تهران: كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران.

طبرسى، احمد بن على (۱۳۶۱)، الاحتجاج على أهل اللجاج، قم: نشر المرتضى.

طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۷۶)، إعلام الورى بأعلام الهدى، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.

طبرى، محمد بن جرير (۱۹۶۷)، تاريخ الأمم والملوك، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: دار التراث.

عباسى، احمد بن عبدالحميد (بى تا)، عمدة الأخبار في مدينة المختار، مصحح: محمد طيب الانصارى، اسعد درابزونى الحسينى، بى نا: بى جا.

عبدالغنى، محمد الياس (۱۴۲۰)، بيوت الصحابة رضى الله عنهم حول المسجد النبوي الشريف، مدينه منوره: مكتبة دار الزمان.

عسگرپور، وهاب (۱۳۹۵)، شيعيان بقیع، قم: دار التهذيب.

علیمی الحنبلی، مجیرالدین (١٤٣١)، التاریخ المعتبر فی أنباء من غیر، محقق: نورالدین طالب، دمشق: دار النوادر.

عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، التفسیر (للعیاشی)، قم: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

فراهانی، محمدحسین (١٣٨٩)، سفرنامه مکه، تهران: نشر علم.

فرشی، محمد (١٣٩٥)، ذراع مدینه، تهران: نشر مورخ.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (٢٠٠٢)، المغانم المطابه فی معالم طابه، مدینه منوره: مرکز بحوث ودراسات المدینه المنوره.

قرشی، باقر شریف (بی تا)، حیاة الإمام الحسن بن علی (ع): دراسة وتحلیل، بیروت: دار البلاغة.

کتانی الحسنی، ابی عبدالله محمد بن جعفر (٢٠٠٥)، الرحلة السامیه إلى الاسکندریة ومصر والحجاز والبلاد الشامیه، مصحح: محمد حمزه بن علی الکتانی، بیروت: دار ابن حزم.

کشی، محمد بن عمر (١٤٠٤)، اختیار معرفة الرجال، مصحح: محمد باقر بن محمد میرداماد، مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.

کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن ابراهیم (٢٠١٢ الف)، معالم المدینه المنوره بین العمارة والتاریخ: الجزء التاسع المواضع والبقاع، مدینه منوره: شركة سروات للطباعة والنشر.

کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن ابراهیم (٢٠١٢ ب)، معالم المدینه المنوره بین العمارة والتاریخ: الجزء الخامس تاریخ وعمارة الدور والقصور، الابار والعیون، مدینه منوره: شركة سروات للطباعة والنشر.

کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن ابراهیم (١٤٣٦)، معالم المدینه المنوره بین العمارة والتاریخ: الجزء الرابع، تاریخ وعمارة المساجد الأثریة، مدینه منوره: شركة سروات للطباعة والنشر.

متقی هندی، علاءالدین علی بن حسامالدین (١٤٠١)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: بکری حیانی، بیروت: مؤسسة الرسالة.

مراغی، زین الدین ابی بکر بن الحسین (١٤٣٠)، تحقیق النصرة بتلخیص معالم دار الهجرة، محقق: ابویعقوب نشأت کمال، قاهره: دار الفلاح للبحث العلمی و تحقیق التراث.

مرجانی، عبدالله بن عبدالملک (بی تا)، بهجة النفوس والأسرار فی تاریخ دار الهجرة النبوی المختار، محقق: محمد عبدالوهاب فضل، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

مسعودی، علی بن حسین (١٣٨٤)، إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، قم: انصاریان.

مطری، جمال الدین محمد بن احمد (۱۴۲۶)، التعریف بما انست الهجرة من معالم دار الهجرة، مصحح: سلیمان الرحیلی، ریاض: دار الملك عبدالعزيز.

معاش، جلال (۱۴۲۷)، فاجعة البقیع، قم: دار العلوم.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، المزار، مناسک المزار، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.

مفید، محمد بن محمد (بی تا)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.

نجفی، محمد باقر (۱۳۸۶)، مدینه شناسی (ویرایش جدید)، قم: مشعر.

نجمی، محمد صادق (۱۳۸۶)، تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، قم: مشعر.

نوائی، علی اکبر. (۱۳۹۴). آرمیدگان در قبرستان بقیع. مشعر.

نوری، محمد (۱۳۹۴)، دانشنامه بقیع شریف، قم: صحیفه خرد.

ورثیلانی، حسین بن محمد (بی تا)، الرحلة الوریثیلانیة الموسومة بنزهة الأنظار في فضل علم التاريخ و الأخبار، صنعاء: مكتبة الثقافة الدينية.

ولاتی، محمد یحیی بن محمد (۱۹۹۰)، الرحلة الحجازیة، مصحح: محمد حجی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

References

- Al-Āqshahrī, Muḥammad ibn Aḥmad ibn Amīn. 2010. *Al-Rawḍah al-Firdawsīyah wa al-Ḥaḍrah al-Qudsīyah*, Beirut: Mu'assasat al-Furqān li al-Turāth al-Islāmī.
- Al-'Abbāsī, Aḥmad ibn 'Abd al-Ḥamīd. n.d. *Umdat al-Akhbār fī Madīnat al-Mukhtār*, Ed. Muḥammad Ṭayyib al-Anṣārī, As'ad Dirābzūnī al-Ḥusaynī, [n.p.]: [n.p.].
- 'Abd al-Ghanī, Muḥammad Ilyās. 1420 AH. *Buyūt al-Ṣaḥābah Raḍī Allāh 'anhum Ḥawla al-Masjid al-Nabawī al-Sharīf*, Medina: Maktabat Dār al-Zamān.
- Abū al-'Abbās al-Ḥasanī, Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1423 AH. *Al-Maṣābīḥ fī Sīrat al-Rasūl wa Āl al-Bayt*, Ed. 'Abd Allāh ibn 'Abd Allāh al-Ḥūthī, Sanaa: Maktabat al-Imām Zayd ibn 'Alī.
- Abū al-Faraj al-Isfahānī, 'Alī ibn al-Ḥusayn. 1419 AH. *Maqātil al-Ṭālibīyyīn*, Beirut: Mu'assasat al-'Ilāmī li al-Maṭbū'āt.
- Abū al-Ṣalāḥ al-Ḥalabī, Taqī ibn Najm. 1404 AH. *Taqrīb al-Ma'ārīf*, Beirut: Al-Hādī.

- Abū Ṭālibī, ‘Ammār. 1399 Sh. “Development and Transformation of Construction in Baqī‘ Based on Historical Reports”, *Miqāt al-Ḥajj*, No. 111: 81–115.
- Abū Ṭālibī, ‘Ammār. 1402 Sh. “The Mosque of Fāṭimah or Bayt al-Aḥzān: A Historical Analysis of Its Nature”, *Pazhūhishnāmah-yi Ḥajj wa Ziyārat*, No. 20: 79–106.
- ‘Asgarpūr, Wahhāb. 1395 Sh. *Shī‘ayān-i Baqī‘*, Qom: Dār al-Tahdhīb.
- Awliyā Chalabī. 1999. *Al-Riḥlah al-Ḥijāziyyah*, Trans. Aḥmad al-Mursī al-Ṣafṣāfi, Beirut: Dār al-Āfāq al-‘Arabiyyah.
- Al-‘Ayyāshī, Muḥammad ibn Mas‘ūd. n.d. *Al-Tafsīr (li al-‘Ayyāshī)*, Qom: Al-Maktabat al-‘Ilmiyyah al-Islāmiyyah.
- Al-Bakrī, Muḥammad Anwar; Ṭāhā, Ḥatīm ‘Umar. 2004. *Baqī‘ al-Gharqad*, Beirut: Maktabat al-Ḥalabī.
- Al-Balansī, Ḥukm ibn Yūsuf ibn ‘Alī. 1973. “Waṣf Makkah Sharrafahā Allāh wa ‘Azzamahā wa Waṣf al-Madīnah al-Ṭayyibah Karramahā Allāh wa Waṣf Bayt al-Maqdis al-Mubārak Mā Ḥawlahu”, *Al-‘Arab*, No. 8 (5–6): 324–357.
- Ḍāmin ibn Shaddaḡm. 1378 Sh. *Tuḥfat al-Azhār wa Zulāl al-Anhār fī Nasab Abnā‘ al-‘Immah al-Aṭḥār ‘Alayhim Ṣalawāt al-Malik al-Ghaḥfār*, Tehran: Specialized Library of Islamic and Iranian History.
- Farāḥānī, Muḥammad Ḥusayn. 1389 Sh. *Safarnāma-yi Makkah*, Tehran: Nashr-i ‘Ilm.
- Farshī, Muḥammad. 1395 Sh. *Dhirā‘ Madīnah*, Tehran: Nashr-i Muwarrikh.
- Al-Firūzābādī, Majd al-Dīn Muḥammad ibn Ya‘qūb. 2002. *Al-Maghānim al-Muṭābah fī Ma‘ālim Ṭābah*, Medina: Markaz al-Buḥūth wa al-Dirāsāt al-Madīnah al-Munawwarah.
- Al-Ḥāmidī, Ismā‘īl ibn Mūsā. 1434 AH. *Al-Riḥlah al-Ḥāmidīyyah ilā al-Diyār al-Ḥijāziyyah*, Ed. Sa‘īd Ūrzūq (Ourzouk), Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
- Al-Ḥaskānī, ‘Ubayd Allāh ibn ‘Abd Allāh. n.d. *Shawāhid al-Tanzīl li Qawā‘id al-Taḥḍīl*, Sanaa (Tehran?): Ministry of Culture and Islamic Guidance, Mu‘assasat al-Ṭibā‘ah wa al-Nashr.
- Al-Ḥillī, Raḍī al-Dīn ‘Alī ibn Yūsuf. n.d. *Al-‘Udad al-Qawiyyah li Daf‘ al-Makhāwif al-Yawmiyyah*, Qom: Public Library of Ayatollah al-‘Uzmā al-Mar‘ashī al-Najafī (r.a.).
- Al-Ḥudaykī, Aḥmad ibn Muḥammad. 1434 AH. *Al-Riḥlah al-Ḥijāziyyah*, Ed. ‘Abd al-‘Ālī al-Mudabbir, Beirut: Markaz al-Dirāsāt wa al-Abḥāth wa Iḥyā‘ al-Turāth al-Rābiṭah al-Muḥammadiyyah li al-‘Ulamā‘.

- Al-Ḥurr al-ʿĀmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. n.d. *Taḥṣīl Wasā'il al-Shī'ah ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'ah*, Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (AS).
- Ibn ʿAbd al-Birr, Yūsuf ibn ʿAbd Allāh. 1412 AH. *Al-Istī'āb fī Ma'rifat al-Aṣḥāb*, Beirut: Dār al-Jīl.
- Ibn Abī Ṭāhir, Aḥmad ibn Abī Ṭāhir. n.d. *Balāghāt al-Nisā'*, Qom: Al-Sharīf al-Raḍī.
- Ibn al-Athīr, ʿAlī ibn Muḥammad. 1409 AH. *Usd al-Ghābah fī Ma'rifat al-Ṣaḥābah*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn al-Ḥā'ik, al-Ḥasan ibn Aḥmad. 1425 AH. *Al-Iklīl min Akhbār al-Yaman wa Ansāb Himyar*, Sanaa: Ministry of Culture and Tourism.
- Ibn al-Jawzī, Yūsuf ibn Qazāwghlī. 1997. *Tadhkirat al-Khawāṣṣ min al-Ummah fī Dhikr Khaṣā'iṣ al-A'imma*, Qom: Al-Sharīf al-Raḍī.
- Ibn al-Maghāzili, ʿAlī ibn Muḥammad. 1424 AH. *Manāqib al-Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib (AS)*, Ed. Muḥammad Bāqir Biḥbūdī, Beirut: Dār al-Aḍwā'.
- Ibn ʿAsākir al-Dimashqī, ʿAbd al-Ṣamad ibn ʿAbd al-Waḥḥāb. n.d. *Ithāf al-Zā'ir wa Iṭrāf al-Muqīm li al-Sā'ir fī Ziyārat al-Nabī (SAWA)*, Ed. Ḥusayn Muḥammad Shukrī, Beirut: Sharikat Dār al-Arqam ibn Abī al-Arqam.
- Ibn Farḥūn, ʿAbd Allāh ibn Muḥammad. 1427 AH. *Tārīkh al-Madīnah al-Munawwarah al-Musammā Naṣīḥat al-Mushāwir wa Ta'ziyat al-Mujāwir*, Beirut: Maktabat al-Thaqāfah al-Dīniyyah.
- Ibn Ḥayyūn, Nu'mān ibn Muḥammad. 1409 AH. *Sharḥ al-Akhbār fī Faḍā'il al-A'imma al-Aṭḥār (AS)*, Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawzah al-ʿIlmiyyah.
- Ibn Ḥayyūn, Nu'mān ibn Muḥammad. n.d. *Da'ā'im al-Islām wa Dhikr al-Ḥalāl wa al-Ḥarām wa al-Qaḍāyā wa al-Aḥkām ʿan Ahl al-Bayt Rasūl Allāh (AS)*, Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (AS).
- Ibn Māzah, Muḥammad ibn ʿUmar. 1392 Sh. *Laṭā'if al-Adhkār*, Ed. Rasūl Ja'farīyān, Tehran: Nashr-i ʿIlm.
- Ibn Najjār, Muḥammad ibn Maḥmūd ibn al-Ḥasan. 2006. *Al-Durrah al-Thamīnah fī Akhbār al-Madīnah*, Ed. Ṣalāḥ al-Dīn ibn ʿAbbās Shukr, Medina: Markaz al-Buḥūth wa al-Dirāsāt al-Madīnah al-Munawwarah.
- Ibn Qutaybah, ʿAbd Allāh ibn Muslim. 1410 AH. *Al-Imāmah wa al-Siyāsah*, Ed. ʿAlī Shīrī, Beirut: Dār al-Aḍwā'.
- Ibn Qutaybah, ʿAbd Allāh ibn Muslim. 1992. *Al-Ma'ārif*, Ed. Tharwat ʿUkāshah, Cairo: Egyptian General Book Organization.

- Ibn Sa'd, Muḥammad ibn Sa'd. 1410 AH. *Al-Ṭabaqāt al-Kubrā*, Beirut: Dār al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Shabah al-Numayrī, 'Umar ibn Shaba. 1410 AH. *Tārīkh al-Madīnah al-Munawwarah*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad ibn 'Alī. n.d. *Al-Manāqib*, Ed. Rasūlī Maḥallātī, [n.p.]: 'Allāmah.
- Al-Imām Yaḥyā ibn Ḥamzah. n.d. *Al-Intiṣār 'alā 'Ulamā' al-Amṣār*, Ed. 'Abd al-Wahhāb ibn 'Alī al-Mu'ayyad, Sanaa: Mu'assasat al-Imām Zayd ibn 'Alī al-Thaqāfiyyah.
- Al-Irbilī, 'Alī ibn 'Isā. 1421 AH. *Kashf al-Ghummaḥ fī Ma'rīfat al-'Immah*, Qom: Al-Sharīf al-Raḍī.
- Al-Ka'kī, 'Abd al-'Azīz ibn 'Abd al-Raḥmān ibn Ibrāhīm. 1436 AH. *Ma'ālim al-Madīnah al-Munawwarah bayn al-'Imārah wa al-Tārīkh: Tārīkh wa 'Imārat al-Masājīd al-Athariyyah*, Medina: Sharikat Sarawāt li al-Ṭibā'ah wa al-Nashr.
- Al-Ka'kī, 'Abd al-'Azīz ibn 'Abd al-Raḥmān ibn Ibrāhīm. 2012a. *Ma'ālim al-Madīnah al-Munawwarah bayn al-'Imārah wa al-Tārīkh: Al-Juz' al-Tāsi' (al-Mawāḍi' wa al-Biqā')*, Medina: Sharikat Sarawāt li al-Ṭibā'ah wa al-Nashr.
- Al-Ka'kī, 'Abd al-'Azīz ibn 'Abd al-Raḥmān ibn Ibrāhīm. 2012b. *Ma'ālim al-Madīnah al-Munawwarah bayn al-'Imārah wa al-Tārīkh: Al-Juz' al-Khāmis (Tārīkh wa 'Imārat al-Dūr wa al-Quṣūr, al-Ābār wa al-'Uyūn)*, Medina: Sharikat Sarawāt li al-Ṭibā'ah wa al-Nashr.
- Khāma-yār, Aḥmad. 1401 Sh. *Bihisht-i Baqī'*, Tehran: Andīsha-yi Mīrāth.
- Al-Kashshī, Muḥammad ibn 'Umar. 1404 AH. *Ikhtiyār Ma'rīfat al-Rijāl*, Ed. Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Mīr Dāmād, Mahdī Rajā'ī, Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihya' al-Turāth.
- Al-Kattānī al-Ḥasanī, Abū 'Abd Allāh Muḥammad ibn Ja'far. 2005. *Al-Rihlah al-Sāmiyyah ilā al-Iskandariyyah wa Miṣr wa al-Ḥijāz wa al-Bilād al-Shāmiyyah*, Ed. Muḥammad Ḥamzah ibn 'Alī al-Kattānī, Beirut: Dār Ibn Ḥazm.
- Al-Khiyārī, Aḥmad Yāsīn. 1419 AH. *Tārīkh Ma'ālim al-Madīnah al-Munawwarah Qadīman wa Ḥadīthan*, Riyadh: Dārat al-Malik 'Abd al-'Azīz.
- Al-Marāghī, Zayn al-Dīn Abū Bakr ibn al-Ḥusayn. 1430 AH. *Tahqīq al-Nuṣrah bi Talkhīṣ Ma'ālim Dār al-Hijrah*, Ed. Abū Ya'qūb Nash'at Kamāl, Cairo: Dār al-Falāḥ li al-Baḥth al-'Ilmī wa Tahqīq al-Turāth.

- Al-Marjānī, 'Abd Allāh ibn 'Abd al-Malik. n.d. *Bahjat al-Nufūs wa al-Asrār fī Tārīkh Dār Hijrah al-Nabī al-Mukhtār*, Ed. Muḥammad 'Abd al-Wahhāb Faḍl, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī.
- Al-Mas'ūdī, 'Alī ibn al-Ḥusayn. 2005. *Ithbāt al-Waṣiyyah li al-Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib*, Qom: Anṣārīyān.
- Al-Maṭarī [Al-Muṭarrī?], Jamāl al-Dīn Muḥammad ibn Aḥmad. 1426 AH. *Al-Ta'rif bimā Ansat al-Hijrah min Ma'ālim Dār al-Hijrah*, Ed. Sulaymān al-Raḥīlī, Riyadh: Dārat al-Malik 'Abd al-'Azīz.
- Al-Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1413 AH. *Al-Mazār, Manāsik al-Mazār*, Qom: Al-Mu'tamar al-'Ālamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
- Al-Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. n.d. *Al-Ikhtisāṣ*, Qom: Al-Mu'tamar al-'Ālamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
- Al-Muttaqī al-Hindī, 'Alā' al-Dīn 'Alī ibn Ḥisām al-Dīn. 1401 AH. *Kanz al-'Ummāl fī Sunan al-Aqwāl wa al-Af'āl*, Ed. Bakrī al-Ḥayyānī, Beirut: Mu'assasat al-Risālah.
- Ma'āsh, Jalāl. 1427 AH. *Fāji'at al-Baqī'*, Qom: Dār al-'Ulūm.
- Al-Najafī, Muḥammad Bāqir. 1386 Sh. *Madīnah Shināsī* (Revised Edition), Qom: Mash'ar.
- Al-Najāshī, Aḥmad ibn 'Alī. 1365 Sh. *Rijāl al-Najāshī*, Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawzah al-'Ilmiyyah, Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
- Najmī, Muḥammad Ṣādiq. 1386 Sh. *Tārīkh-i Ḥaram-i A'imma-yi Baqī' wa Āthār-i Dīgar dar Madīnah-yi Munawwarah*, Qom: Mash'ar.
- Nūrī, Muḥammad. 1394 Sh. *Dānishnāma-yi Baqī'-yi Sharīf*, Qom: Ṣaḥīfa-yi Khirad.
- Pūr Amīnī, Muḥammad Amīn. 1428 AH. *Baqī' al-Gharqad fī Dirāsah Shāmilah*, Qom: Mash'ar.
- Al-Qurashī, Bāqir Sharīf. n.d. *Ḥayāt al-Imām al-Ḥasan ibn 'Alī (a.s.): Dirāsah wa Taḥlīl*, Beirut: Dār al-Balāghah.
- Rif'at Pāshā, Ibrāhīm. n.d. *Mir'āt al-Ḥaramayn, aw al-Riḥlāt al-Hijāziyyah wa al-Hajj wa Mashā'iruhā al-Dīniyyah Muḥallāh bi Mi'āt al-Ṣuwar al-Shamsiyyah*, Beirut: [n.p.].
- Ṣabrī Pāshā, Ayyūb. n.d. *Mir'āt al-Ḥaramayn*, Cairo: Baḥriyyah.
- Al-Sakhāwī, Shams al-Dīn Muḥammad ibn 'Abd al-Raḥmān. 2009. *Al-Tuḥfah al-Laṭīfah fī Tārīkh al-Madīnah al-Sharīfah*, Medina: Markaz al-Buḥūth wa Dirāsāt al-Madīnah al-Munawwarah.

- Al-Salāmah al-Tamīmī, Manṣūr ibn Šāliḥ. 1438 AH. *Al-Iṣābah fīman Duḥḥina fī al-Baqī' min al-Šaḥābah Raḍī Allāh 'anhum*, Medina: Dār al-Imām Muslim li al-Nashr wa al-Tawzī'.
- Al-Samarqandī, 'Abd al-Raḥmān. 1395 Sh. *Arkān al-Ḥajj wa Masāfat al-Ṭarīq*, Tehran: Nashr-i Muwarrikh.
- Al-Sāmarrā'ī, Khalīl Ibrāhīm; Ḥāmid Muḥammad, Thā'ir. 1984. *Al-Mazāhir al-Ḥaḍariyyah li al-Madīnah al-Munawwarah fī 'Aṣr al-Nubuwwah*, Beirut: Maktabat Bassām.
- Al-Samhūdī, Nūr al-Dīn 'Alī ibn 'Abd Allāh. 2001. *Wafā' al-Wafā bi Akhbār Dār al-Muṣṭafā*, Ed. Qāsim al-Sāmarrā'ī, Beirut: Mu'assasat al-Furqān li al-Turāth al-Islāmī.
- Al-Sharqī al-Fāsī, Abū 'Abd Allāh Muḥammad ibn al-Ṭayyib. 2014. *Al-Riḥlah al-Ḥijāziyyah*, Ed. Nūr al-Dīn Shūbid (Noreddine Choubed)), Beirut: Dār al-Suwaydī li al-Nashr wa al-Tawzī'.
- Shīrāzī, Nā'ib al-Ṣadr. 1389 Sh. *Safarnāma-yi Makkah*, Tehran: Nashr-i 'Ilm.
- Al-Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr. 1967. *Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk*, Ed. Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm, Cairo: Dār al-Turāth.
- Al-Ṭabrisī, Aḥmad ibn 'Alī. 1982. *Al-Iḥtijāj 'alā Ahl al-Lajāj*, Qom: Nashr al-Murtaḍā.
- Al-Ṭabrisī, Faḍl ibn al-Ḥasan. 1997. *I'lām al-Warā bi A'lām al-Hudā*, Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt (AS) li Ihya' al-Turāth.
- Al-'Ulaymī al-Ḥanbalī, Mujīr al-Dīn. 1431 AH. *Al-Tārīkh al-Mu'tabar fī Anbā' man Ghabar*, Ed. Nūr al-Dīn Ṭālib, Damascus: Dār al-Nawādir.
- Al-Walātī, Muḥammad Yaḥyā ibn Muḥammad. 1990. *Al-Riḥlah al-Ḥijāziyyah*, Ed. Muḥammad Ḥajjī, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmī.
- Al-Warthīlānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. n.d. *Al-Riḥlah al-Warthīlāniyyah al-Musawwama bi Nuzhat al-Anṣār fī Faḍl 'Ilm al-Tārīkh wa al-Akhbār*, Sanaa: Maktabat al-Thaqāfah al-Dīniyyah.